

# گلدونه

فاطمه منتظری

تابستان ۸۷

استان یزد

بر اساس کتاب : باغ هزار دختری

نوشته : افسانه شعبان نژاد

شخصیت ها :

همخوان ها

خانم بزرگ

۱ع : عروسک گردان قورباغه

۲ع : عروسک گردان اول گلدونه

۳ع : عروسک گردان کلاغ

دیو نگهبان

۴ع : عروسک گردان دوم گلدونه و دیو

صحنه : / سمت راست صحنه خانه خانم بزرگ با یک پنجره بزرگ مشرف بر صحنه، سمت چپ قصر دیو که در تاریکی به سر می برد. تماشاچیان از دو طرف صحنه بر نمایش اشراف دارند. فاصله بین خانه خانم بزرگ و قصر دیو قابلیت تبدیل شدن به محیط زندگی خانم بزرگ - مطب، حیاط - مسیر رفتن به قصر دیو و فضای باغ را با استفاده از آرایه هایی که قابل جابه جا شدن است دارد. خانم بزرگ در حال لالایی خواندن برای گلدونه در وسط صحنه، نور موضعی همراه با موسیقی ۶ نفر از بازیگران با حرکات فرم لالایی را همراهی می کنند. /

لالا لالا لا گلدونه من

عروسک من یکدونه من

لالا لالایی بخوابه ماهم

عصای دستم چراغ راهم

لالا لالایی لالا لالایی

دود بشه بره دیو جدایی

یواش جیرجیرک آروم کلاغه

تو خواب گلم امشب یه باغه

یه باغ پر از گل گلای آبی

لالا لالایی باید بخوابی

لالا لالایی لالا لالایی

دود بشه بره دیو جدایی

/صحنه نیمه تاریک می شود، سایه و صدای دیو- روز خانم بزرگ کنار پنجره خوابیده /

ع۲/ با صدای گلدونه / : خانم بزرگ ... خانم بزرگ ... خانم بزرگ ...

خانم بزرگ : جون دلم ، عزیزکم ، قربون صدات برم الهی ننه... / صدای قار قار کلاغ / بسم ا... چی بود کی بود کجا بود؟ ...

/ صدای قار قار کلاغ / آروم تر آقا کلاغه ، چه خبره صبح اول صبحی ، ول کنم نیست مگه سوزنت گیر کرده ننه قافار قافار ... دلم

شور افتاد ... هنوز آفتاب زده از پشت کوه آسمونو گذاشته روسرش ... / صدای قار قار کلاغ / مگه دستم بهت نرسه نوکتو می

چینم ... پاشم پاشم تا آسمون قرق خورشید خانم نشده یه دستی به سرو روی این خونه بکشم... گلدونه من... گل یکی یکدونه

من... گلدونه ننه بیا که گلای باغچه چشمشون به آبیاش خالی خشک شد بیا ننه بذار اینام یه لبی تر کنن... گلدونه...

/عروسک گردانان در صحنه مستقر می شوند /

۱ع : یکی بود یکی نبود

۲ع : غیر از خدای مهربون

۳ع : هیچکی نبود

۱ع : چرا بود!

۲ع : چی بود؟

۳ع: کی بود؟

۱ع: نمی دونم به صدا، به سایه ...

۲ع: صدای کی؟ سایه چی؟

۳ع: ای بابا صدا چیه، سایه چی چیه، خب معلومه صدای خانم بزرگ دیگه گوش کنید...

خانم بزرگ: گلدونه ننه به گلا آب دادی؟ ای ننه اینا که هنوز تشنه ان، کو این آبپاش؟ بیار خودم به این زبون بسته ها آب بدم.

/عروسک گردانان در حال تلاش برای آوردن آب پاش، آب پاش را به خانم بزرگ می دهند، خانم برگ بدون توجه به عروسک گردانان با تعجب آب پاش را می گیرد و به گل ها آب می دهد./

۱ع: /نفس راحتی می کشد/ آخی، خب یکی بهش بگه دیگه...

۲ع: نه نگیا طفلکی دلش هزار راه میره

۳ع: خب بره بالاخره که چی؟

۱ع: چی که چی؟ چیچی که چی؟

۲ع: آب نبات قیچی!

۳ع: ای بابا هیچی!

خانم بزرگ: چه پچیچی! یعنی که چی؟ گلدونه ننه نکنه هنوز خوابیدی... پاشوپاشو دردت بچونم، اون دستمالو بیار به دستی به این در و پنجره بکشم خاک دنیا رو برداشته.

/عروسک گردانان همراه با بازی به شیوه کودکان دستمال را به مادر بزرگ می دهند/

۱ع: دستمال من زیر درخت آلبالو گم شده

۲ع: خبر داری؟.../همراه با تماشایان/ نه نه ...

۳ع: بی خبری؟.../همراه با تماشایان/ نه نه ...

۱ع: پس تو ...

۳ع و ۲: چی داری می گی دستمال چیه اونی که گم شده گلدونه اس.

خانم بزرگ: گلدونه... پاشو تنبلی نکن ننه، پاشو گلکم، پاشو بیا این سوزنو بگیر نخ کن. دیگه گذشت اون زمون که مو رو

ازماست می کشیدم، حالا دیگه سوراخ سوزن با دروازه شهر با هم فرقی نداره چشم که ببینه نه اینو می ببینه نه اونو... روشنی چشمام ستاره شد رفت تو آسمون خدا گم شد...

/هر یک از عروسک گردانان سعی دارد در نخ کردن سوزن به خانم بزرگ کمک کند اما موفق نمی شد./

خانم بزرگ: ..... ای ننه بسه دیگه! میگم گلدونه گلارو آب بده همه می شن آبپاش، میگم همه جا رو خاک گرفته همه میشن دستمال، می گم چشمم نمی ببینه همه میشن نخ و سوزن، گفتم امروز دلم به جوریه، ای وای ننه... گلدونه... گلکم... عزیزکم... گلدونه ....

همه: گلدونه ....

/صدای موسیقی در حالیکه که جستجوی گلدونه به صورت حرکات فرم به نمایش گذاشته می شود/

هم خوان ها: گلدونه آی گلدونه

چشم و چراغ خونه

کجا رفتی کجایی

فقط خدا می دونه

خانم بزرگ: آهای آقا کلاغه

توی دلم به داغه

بگرد ببین گلدونه

شاید توی به باغه

هم خوان ها: قار و قار و قار پر سیاه

کلاه رو سر سیاه

گشت و ندید گلدونه رو  
چشم و چراغ خونه رو  
خانم بزرگ : آهای ماه آسمون  
نگاهتو بچرخون  
بگرد بین گلدونه  
کجا گذاشته نشون  
هم خوان ها : تیک و تیک و تیک ماه شب  
نقره نشون شاه شب  
گشت و ندید گلدونه رو  
چشم و چراغ خونه رو  
شب شد و ماه دراومد  
گلدونمون نیومد  
کلاغه پرید خبرداد  
به آب و آفتاب و باد  
هیچکی خبر نیاورد  
گلدونمونو باد برد  
کلاغ : قار قار ...  
ع ۳ : ایا... ای بابا چه خبرته؟!  
کلاغ : قارقار...

/عروسک گردان کلاغ با عروسکش در حال بگو مگو/

ع ۳ : هیس! چرا داد و هوار راه انداختی، مگه نمیبینی خانم بزرگ ناراحته!  
کلاغ : چرا می بینم ولی مثل اینکه شماها نمی بینید، نشستید دست روی دست گذاشتید، یکی به کاری بکنه.  
ع ۳ : مثلاً چه کاری؟  
کلاغ : چه میدونم...  
ع ۱ : نجاری... عطاری... شایدم به قارقاری... یه داد و هواری! اگه تو نمی تونی خودم پیام جلوی قارقارشو بگیرم .  
کلاغ : قار قار...

ع ۳ : ایا... ولش کن، خب راست میگه، نگاش کن طفلکی از وقتی گلدونه رفته دیگه کاری نداره انجام بده، همش یه گوشه نشسته غصه می خوره.

کلاغ : پاک خل شده!

ع ۱ : خانم بزرگ؟

ع ۳ : نخیر، اونو می گه/به عروسک گردان ۲ اشاره می کند/ نگاش کن، یه زمونی واسه خودش یه پا گلدونه بود اما حالا...  
کلاغ : صدای گلدونه هست... ادای گلدونه هست... اما خودش نیست.

ع ۱ : آخی! طفلکی...

همهمه : حالا چی کار کنیم ... به کی بگیم بچه ها بچه ها ... /از تماشاچیان سوال می کنند/

ع ۱ : من بگم ... من بگم...

ع ۳ : خب تو بگو

ع ۱ : بیا بریم از همین بقالی سرکوپه یه عروسک دیگه براش بخریم!

ع ۳ : چی می گی! گلدونه که فقط عروسک نبود، چشم و چراغ خونه بود، گلدونه بود، یکدونه بود

کلاغ : قارقار طفلکی خانم بزرگ...

خانم بزرگ : /همه دور خانم بزرگ جمع می شوند، خانم بزرگ در حالیکه توی هاون چیزی می کوبد قصه می گوید/ زیر گنبد  
کیود خانم بزرگ و گلدونه بود، گلدونه چشم و چراغ خونه بود، واسه خانم بزرگ یکی یکدونه بود. وقتی میخندید انگار هزارهزار

تا گل باز می شد. گلدونه چارققد گلی، لپ تپلی، چارققدش آبی بود، پراز گل و گلابی بود. روزا خانم بزرگ دست گلدونه رو می گرفت با هم می رفتن خونه زری خانم و پری خانم، همه می گفتن :

هم خوان ها : چه دختری تاج سری پیرن زری مثل پری!

کلاغ : قار و قار و قار

خانم بزرگ : ورنپری! کلاغ بیخبر! برو برو بذار به درد خودم بسوزم، بین چی اومده به روزم. ای خدا یعنی گلدونه من الان کجاست؟ چی کار می کنه؟ خدایا بلایی سر دخترم نیومده باشه؟! /

چاه به داخل صحنه آورده می شود، عروسک گردان ۱ در حالیکه توی چاه دنبال چیزی می گردد/  
ع ۱ : قورقور

خانم بزرگ : /از جایش بلند می شود/ بسم ... دور شو! کور شو! خاکستر تنور شو! صدای چی بود؟ نکنه آقا کلاغه باشه، بیا بیرون، بیا ننه، بیا باهات کاری ندارم، آخه من که دل و دماغ این شوخیا رو ندارم ننه.../به سمت در خانه می رود/

ع ۱ : قورقور

خانم بزرگ : ای وای! نکنه خیالاتی شدم، زده به سرم ازدوری گل دخترم؟

کلاغ : قار قار

ع ۳ : ..... ساکت بذار ببینم چه خبره

قورباغه : /عروسکگردان قورباغه را از چاه بیرون می آورد/ اشک کی آب و شور کرد؟ خواب و از چشم دور کرد؟  
خانم بزرگ : وا تویی؟! به حق چیزای ندیده و نشنیده، ورپریده اینجا چی کار می کنی؟ ترسوندیم.

قورباغه : ای بابا خانم بزرگ خل شدیا...

هم خوان ها : ه .....!

خانم بزرگ : بله بله چی گفتی؟ چشمم روشن!

قورباغه : ببخشید عوضی اشتباهی شد/ رو به عروسک گردانش / تقصیر توئه دیگه...

ع ۱ : من؟! /

قورباغه : میگویم که یعنی کجای کاری خاله، اینجا خونه منه، دیدم تنهایی، داری با دیفال مطبخ گپ می زنی، گفتم بیام همدمت بشم، غصه خور غمت بشم.

خانم بزرگ : ای ننه چه غصه ای، چه غمی، کار از این حرفا گذشته، یه چشمم اشکه یه چشمم خون.

قورباغه : غصه نخور خانم بزرگ حرفاتو شنیدم.

خانم بزرگ : پس گوش وایساده بودی!

ع ۱ : گوش وایساده بودی؟

قورباغه : / رو به عروسک گردانش / ..... تو دیگه حرف نزن! ای خاله جون این چه حرفیه، جون شما بدم اومد، گوش وایسادم، مگه خودم کارو زندگی ندارم، چه حرفا، داشتیم رو پشت بوم خونه به گلا آب می دادم...

خانم بزرگ : به حق چیزای ندیده و نشنیده. خیله خب ننه حرفتو زدی، برو... برو بذار به درد خودم بسوزم. / در خانه را باز می کند/

قورباغه : ای بابا هنوز اصلیه رونگفتم، اگه بدونی چی دیدم...

ع ۱ : چی دیدی؟ چی دیدی؟ اول به من بگو...

قورباغه : / رو به عروسک گردانش / ..... اگه یه دقیقه دندون رو جیگر گذاشتی...

خانم بزرگ : نکنه گلدونه رو دیدی؟! ایوای خدا بمیرم الهی نکنه نکنه...

کلاغ : / رو به عروسک گردانش / میگه نکنه... نکنه... نکنه چی؟

ع ۳ : هیچی بابا، زبونتو گازبگیر، نمی خواد جنابعالی گزارش بدی.

قورباغه : / رو به کلاغ / ..... بذار حرفمو بزنی!

ع ۱ : آره خب بذار حرفشویزنه.

قورباغه : ..... خاله هول نشو گلدونه رو ندیدم اما یه چیزی دیدم یه چیزایی شنیدم...

هم خوان ها : چی دیده؟ چی شنیده ؟

خانم بزرگ : ای ننه جونم به لبم رسید بگو دیگه...

همه : چی دیدی؟ چی شنیدی؟

ع ۱ : بیخشیدا میشه منم یه چیزی بپرسم؟

قورباغه : بفرمایید!

ع ۱ : چی دیدی؟ چی شنیدی؟

هم خوان ها : اااااا...

/صحنه باغ نمایش داده می شود همراه با موسیقی و حرکات فرم/

قورباغه :

دیدم یه باغ که هفت تا دروازه داشت

هر دریم یه قصه تازه داشت، چی دیدم؟

هم خوان ها : چی دیدی چی شنیدی نکنه که دیر رسیدی گلدونه رو ندیدی؟

قورباغه :

یه باغ پر از درخت پسته دیدم

وای خداجون چه چیزایی شنیدم ،چی دیدم؟

هم خوان ها : چی دیدی چی شنیدی نکنه که دیر رسیدی گلدونه رو ندیدی؟

قورباغه :

دیدم هزار تا دختر چش سیاه

ابرو کمون شیرین زبون مٹ ماه ،چی دیدم؟

هم خوان ها : چی دیدی چی شنیدی نکنه که دیر رسیدی گلدونه رو ندیدی؟

قورباغه :

خنده های قشنگ رو لباسون

میکنه پسته های کوروخندون ،چی دیدم؟

هم خوان ها : چی دیدی چی شنیدی نکنه که دیر رسیدی گلدونه رو ندیدی؟

قورباغه :

پسته ها همیشه سهم دیو سیاه

دختر سهمشون میشه اشک و آه

خانم بزرگ :

قربون اون چشم سیات قورقوری

فدای اون ناز نگات قورقوری

اینهمه رفتی و رسیدی ننه

گلدونمو اونجا ندیدی ننه

گیساش سیاه چشاش به رنگ آبی

چارقدشم پر از گل گلابی

قورباغه :

هزار هزار تا دختر مو سیاه

ابرو کمون شیریم زبون مٹ ماه

عینکمو نبرده بودم خاله

فکر نکنم پیدا بشه محاله

هم خوان ها :

غاز بگیراون زبونتو قورباغه

گلدونمون حتمنی توی باغه



ع ۱: خب برو دیگه...

قورباغه: مگه تو نمی آیی؟

ع ۱: نه، من می خوام بمونم ببینم آخر قصه چی میشه.

قورباغه: اینکه دیگه معلومه خنگه، دیوه خانم بزرگو می گیره و یه لقمه چپش میکنه.

هم خوان ها: ..... زبونتو گاز بگیر!

قورباغه: ای بابا مگه دروغ میگم؟

کلاغ: قارقار...معلومه که دروغ می گی .

خانم بزرگ: ای وای... ننه تویی، زهره ترک شدم، تو اینجا چی کار می کنی؟

کلاغ: قار... راستش راستش ...

ع ۳: ..... چرا من می کنی؟ خب می دونید خانم بزرگ من و این آقا کلاغه ام می خوایم باهاتون پیام.

کلاغ: قار...

خانم بزرگ: نمیدونم والا، چی بگم، آخه ننه...

ع ۲: آخه نداره، منم میام خانم بزرگ، گلدونه برای همه ما عزیزه، تازه بچه هام هستن مگه نه بچه ها؟ شما با ما میان؟ دیدی

خانم بزرگ، دیدی تنها نیستی!

خانم بزرگ: قروبوتون برم الهی ننه... الهی پیرشین ...

قورباغه: ای بابا چه گرفتاری شدیما، یعنی ما از این بچه های کوچولوی ریزه میزه کمتریم، حالا که اینطور شد... برید کنار، کو؟

کجاست؟ کو این دیو هفت سریه چشم؟ خودم یه تنه حریشم...

/همراه با افکت و نور موضعی دیو وارد صحنه میشود/

ع ۱: /رو به قورباغه/ دی دی دی...

قورباغه: چیه؟ چی شده؟ دیدی یعنی چی؟ چپو دیدم؟ نخیر هنوز ندیدم، ای بابا چرا می لرزی؟

ع ۱: دی دی دی ...

قورباغه: دیروز؟ دیفال؟ دیزی؟ دیو؟ خب بابا از اول بگو دیو دیگه... چی؟ دی دی دیو؟ و.....ای کمک... کمک خانم بزرگ

جونم کمک...

دیونگهبان: کی خوابمو بهم زد؟ کی بود که دم زد؟

بگیر موحیرونش کنم بزیم و داغونش کنم

هم خوان ها: ما نبودیم ستاره بود

کلاغ: کی بود که فکر چاره بود؟

همهمه: چی کار کنیم... کجا بریم... کمک کمک...

خانم بزرگ: ..... بسه دیگه... چاره کار پیش منه، حریفتم من یه تنه

خاکستر توی تنور کوریشه دیوو بشه

هم خوان ها: خاکستر توی تنور کوریشه دیوو بشه

/خانم بزرگ خاکسترها را به چشم دیو می پاشد/

دیونگهبان: چراسیاه شد آسمون؟ کاسه چشمام شده خون، هیچکی از اینجا در نره

/عروسک گردانان ردیف می ایستند و بازی می کنند/

ع ۱: خونه خاله کدوم وره

ع ۲: از اینوره

ع ۳: از اونوره

دیونگهبان: از اینوره

هم خوان ها: از اونوره

دیونگهبان: از اونوره

هم خوان ها: از این وره

/ دیو می رود سمت کلاغ و بقیه فرار می کنند/  
 کلاغ : آهای رسید بالمو گرفت کلاهمو شالمو گرفت  
 دیونگهبان : کیه که حریف من بشه ؟ بیاد جلو نفس کشه  
 بگيرموحیرونش کنم بزئم و داغونش کنم  
 هم خوان ها : ما نبودیم ستاره بود  
 قورباغه : کی بود که فکر چاره بود؟  
 خانم بزرگ : چاره کار پیش منه، حریفتم من یه تنه  
 الستونو ولستون زمین بشه خارسون  
 هم خوان ها : الستونو ولستون زمین بشه خارسون  
 دیونگهبان : خارای تیزدونه دونه گرفته پامونشونه  
 کجا بذارم پاهامو؟...  
 /عروسک گردانان به شیوه کودکانه بازی می کنند/  
 هم خوان ها : اینور بذار  
 دیونگهبان : خارستونه  
 هم خوان ها : اونور بذار  
 دیونگهبان : خارستونه  
 هم خوان ها : خار توی پاهاش بمونه  
 قورباغه : آهای رسید ردمو گرفت گوشه چارقده موگرفت  
 دیونگهبان : کیه که حریف من بشه؟ بیاد جلو نفس کشه  
 بگيرموحیرونش کنم بزئم و داغونش کنم  
 هم خوان ها : ما نبودیم ستاره بود  
 ع ۲ : کی بود که فکر چاره بود  
 خانم بزرگ : چاره کار پیش منه حریفتم من یه تنه  
 اجی مجی مثل خار زمین بشه نمکزار  
 هم خوان ها : اجی مجی مثل خار زمین بشه نمکزار  
 دیونگهبان : آتیشه یا نمکزار نمک رو زخمام نذار  
 ها جستم و وا جستم ازرو نمکها جستم  
 هم خوان ها : هاجستشو وا جستش ازرو نمکها جستش  
 قورباغه : خانم بزرگ رسیدش تورو دیدش  
 خانم بزرگ : /خانم بزرگ عقب افتاده و خسته شده/ منکه دیگه نشستم ،انگاری خیلی خستم  
 دیگه نفس ندارم، کاشکی طاقت بیارم  
 ع ۳ : /رو به کلاغ/ بکن دیگه اون پرتو تا دیو نکنده سرتو  
 کلاغ : یه پر... دو پر... کلاغ پر... کلاغ توی باغ پر  
 خانم بزرگ : پرسپاه توی باغ بشه هزار هزار کلاغ  
 پرسپاه توی باغ بشه هزار هزار کلاغ  
 /کلاغ های کاغذی سپاه در صحنه ساخته می شنند و به دیو حمله می کنند/  
 خانم بزرگ : دود بشه بره هوا آب بشه بره زمین مچال شه دیو سپاه تموم بشه فقط همین  
 ع ۱ : دود بشه بره هوا  
 ع ۲ : آب بشه بره زمین  
 ع ۳ : مچال شده دیو سپاه  
 هم خوان ها : تموم بشه فقط همین



همه :/رو به عروسک گردان ۲/ تو چی؟ تو چرا نقابتو بر نمی داری؟

۲ع : من... من آخه...

کلاغ : خودشه... بگیردش ،نذارین در بره...

۳ع : چرا نقابتو بر نمی داری؟

۱ع : هِ اِ اِ اِ... حتما خیلی زشت و ترسناکه.

خانم بزرگ : اِ اِ اِ... ولش کنید ببینم، ننه نقابتو بردار ، کسی بت کاری نداره.

۲ع : آخه... آخه...

کلاغ : اِ اِ اِ... برداردیگه /نقاب را از روی صورت عروسک گردان ۲ برمی دارد/

۲ع : وای.../دستش را روی صورتش می گذارد/

خانم بزرگ : اِ اِ اِ...ننه این چه کاریه ،دستتو از روی صورتت بردار!

۲ع : آخه نمیتونم.

هم خوان ها : بردار دیگه،بردار!

۲ع : آخه... آخه خجالت می کشم

خانم بزرگ : ای ننه، گفتم چه خبره ، از کی خجالت می کشی، خوبیت نداره ننه اینجا که غریبه نداریم...

/صدا وسایه /

کلاغ : قارقار...مثل اینکه داره یه خبرایی میشه.

قورباغه : یکی داره میاد

۱ع : دی دی دی دیوه...

/گلدونه وارد صحنه می شود/

خانم بزرگ : گلدونمه، دختر یکی یه دونمه، همون که چارقش آبییه... پر از گلو گلاییه...

قورباغه : ببین چه خبره...

/موسیقی - حرکات فرم دخترها در حال چیدن پسته از درخت/

آی قصه قصه قصه، صد تا درخت پسه

خنده های قشنگ رو لبامون رو پسه ها نشسه

آی خنده خنده خنده، خنده میشه پرنده

پر می زنه غصه به جاش میشینه، دیوه میشه برنده

آی ریشه ریشه ریشه ، عمر سیاه دیو کجاس ؟ تو شیشه

شیشه کجاس؟ توی دلای ماها، غصه تموم نمیشه

/دخترها می روند- صدا وسایه- دیو و گلدونه وارد می شوند/

خانم بزرگ : گلدونه... گلدونه ننه الهی خانم بزرگ بمیره برات که دیوه شیشه عمرشو تو دلای نازک شما ها میذاره.

قورباغه : الهی... الهی...

هم خوان ها : اِ اِ اِ...خدا نکنه

قورباغه : نه منظورم اینه که... اینه که... اینه که اِ اِ اِ... حالا که باید یه چیزی بگی زبوتو قورت دادی!

۱ع : کی ؟من؟

۳ع : اِ اِ اِ...بسه کنید دیگه

قورباغه : قورورورورورورورورور

کلاغ : طفلکیا، تازه وقتی خنده هاشون تموم میشه و غمگین میشن دیوه اونارو تبدیل می کنه به درختای پسته و دخترای

جدیدو میاره.

۳ع : /رو به کلاغ/ اِ اِ اِ...حالا چه وقت این حرفاس، مگه نمی بینی طفلکی آروم و قرارنداره اگه خبر تازه ای نداری دیگه حرف

اضافه نزن

کلاغ : اتفاقا خبرزیاده ،اما می ترسم بگم خانم بزرگ زبونم لال پس بیفته.

خانم بزرگ : چی شده ننه بگو؟! من طاقتشو دارم، نکنه بلایی سرگلدونم اومده؟

کلاغ : هنوز که نه ولی قراره بیاد.

خانم بزرگ : ای وای ننه... ای وای خدا... خدایا چیکار کنم؟ بگو چی شده و راحتم کن

هم خوان ها : بگو دیگه

کلاغ : خبر تازه اینکه فردا قراره دخترای جدید بیان.

قورباغه : خب به سلامتی مبارکه.

ع ۲ : چی چی رو مبارکه! یعنی فردا گلدونه و دخترای دیگه میشن درخت پسته.

کلاغ : ضمنا شیشه عمر دیوه تو دل گلدونه است

ع ۳ : ببینم تو اینهمه خبرو از کجا آوردی که من خبر ندارم؟!

کلاغ : خب دیگه به ما میگن آقا کلاغه نه برگ چقدر/رو به قورباغه/ قابل توجه بعضیا

خانم بزرگ : وای خدایا چی کار کنم؟ ای وای گلدونم ،یکی یه دونم...

ع ۳ : ای بابا خانم بزرگ الان که وقت گریه وزاری نیست باید یه فکری بکنی

خانم بزرگ : ای خدا چه فکری بچم از دستم رفت.

ع ۱ : کجا رفت؟

قورباغه : .....قورررررررررررر

ع ۲ : خانم بزرگ، پاشو، پاشو باید بریم پیش گلدونه، باید باهاش حرف بزنی ، باید همه چیز یادش بیاد، پاشو خانم بزرگ، باید دل

گلدونه برای خونه و خانم بزرگش تنگ بشه، باید صداتو بشنوه، دلش بشکنه، گریه کنه، اونوقت شیشه عمر دیوم توی دلش

میشکنه ...

هم خوان ها : بشکن بشکنه، بشکن

خانم بزرگ : من نمی شکنم

هم خوان ها : بشکن

خانم بزرگ : دل گلدونمه

هم خوان ها : بشکن

خانم بزرگ : یکی یکدونمه

هم خوان ها : بشکن

خانم بزرگ : چراغ خونمه

هم خوان ها : بشکن

خانم بزرگ : دلمه ، جونمه

هم خوان ها :بشکن

خانم بزرگ : نه ننه نمی تونم ... نمی تونم دل نازک بچمو بشکنم یه فکر دیگه ای بکنید ننه

قورباغه : آخه چه فکری / رو به کلاغ / آقا کلاغه شما یه فکری بکنید

کلاغ : ای به چشم

ع ۳ : کجا؟

کلاغ : دارم می رم یه فکری بکنم

ع ۳ : شما نمی خواد زحمت بکشید.

ع ۲ : چطوره شیشه عمر دیوه رو از دل گلدونه بیرون بیاریم

همه : چجوری ...؟

ع ۲ : /با صدای گلدونه/ خانم بزرگ ... خانم بزرگ.../با تعجب/ این این صدای گلدونه اس صدای گلدونه اس /به سمت گلدونه

می رود می خواهد به او دست بزند گلدونه خودش را کنار می کشد/گلدونه، گلدونه منو نمی شناسی؟ منم همبازی خونه خانم

بزرگت /رو به بقیه/ اون منو نمی شناسه

/عروسک گردان دوم گلدونه نقابش را کنار می زند و گلدونه را توی بغلش می گیرد/

